

سنجش تساهل سیاسی و عوامل مؤثر بر آن نمونه پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد^۱

ابوالقاسم شهریاری* - محسن خلیلی** - حسین اکبری***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۴)

چکیده

تساهل سیاسی و داشتن نگرشی مبتنی بر اجازه فعالیت برای تمامی گروه‌ها و احزاب سیاسی، جزئی جدانشدنی از دموکراسی است. عدم وجود تساهل سیاسی، مانع از ایجاد همبستگی در تحقق اهداف نظام سیاسی شده و در بالاترین سطح به خشونت سیاسی نیز منجر خواهد شد. پرسش تحقیق حاضر دارای دو بخش است: تساهل سیاسی در نمونه مورد بررسی در چه سطحی است؟ چه عواملی بر تساهل سیاسی اثرگذار هستند؟ بنابراین، هدف از این پژوهش که به روش پیمایش انجام گرفته است، سنجش تساهل سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی است. با توجه به پیشینه نظری، متغیرهای سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، تحصیلات، جنسیت و سن به عنوان عوامل مؤثر بر تساهل سیاسی انتخاب گردیدند. نتایج حاصل نشان می‌دهند که تساهل سیاسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نیز نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بیشترین اثرگذاری را داراست و پس از آن آگاهی سیاسی و سطح تحصیلات قرار دارند. همچنین، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تأثیر بیشتری بر تساهل سیاسی داراست نسبت به سرمایه اجتماعی برون‌گروهی.

واژگان کلیدی: تساهل سیاسی، سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، تحصیلات، دانشگاه فردوسی.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق اساسی» است که در دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفته است.

ab.shahriari@stu.um.ac.ir

khalilim@um.ac.ir

h-akbari@um.ac.ir

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

** استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه و بیان مسئله

پیچیده شدن امر سیاست در جوامع و ظهور احزاب و گروه‌ها و نحله‌های فکری متفاوت در عرصه سیاسی از یک‌سو و از سوی دیگر بروز درگیری‌هایی در میان این عقاید، دانشمندان علوم سیاسی را بر آن داشت تا مفهوم تساهل^۱ را که در آغاز برای تساهل دینی^۲ از سوی جان لاک^۳ در نوشته خود با عنوان «در باب تساهل»^۴ ارائه گردید را به عرصه سیاسی نیز تعمیم داده و مفهوم تساهل سیاسی^۵ را به کار برند. تساهل سیاسی که به معنی «تمایل به اجازه بیان ایده‌ها و یا پیگیری منافع افراد و گروه‌های گوناگون» (Sullivan et al, 1979: 784) آورده شده است، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که از دیدگاه‌های متفاوتی برخوردارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (Galeotti, 2001: 275)؛ به بیان دیگر، تساهل یک رابطه دوطرفه و اجتماعی است، که فرد را به صورت ذهنی یا عینی با طرف مقابل خود درگیر می‌کند و با آگاهی از این نوع تقابل به این نتیجه می‌رساند که سازش و همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش دیگری مخالف یا متفاوت، ضروری است (پایا، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

تساهل در برابر باورها و رفتارهای متنوع، پیش‌فرض دموکراسی است و همواره مورد تأیید محققان و دانشمندان علوم سیاسی بوده است (Gibson, 2006؛ Peffley and Rohrscheder, 2003؛ Freitag and Rapp, 2015؛ Quintelier, 2008؛ Pyatt & Paxton, 2007)؛ زیرا افراد ممکن است کلیشه و نگرش تعصب‌آمیز داشته باشد، اما برای یک دموکراسی با عملکرد خوب، آن‌ها حداقل باید بپذیرند که اعضای گروهی را که دوست ندارند، اجازه داشته باشند تا عقاید خود را ترویج دهند (Verkuyten and et al, 2010:46). همچنین باید در نظر داشت که هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ منطقی، تساهل منزلی بر سر راه نیل به آزادی است (بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۲۳) و به‌طور تلویحی نیز صحبت از تساهل سیاسی به معنای افتتاح گفتمان آزادی اعتقاد و آزادی بیان است (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۳؛ Arwine and Mayer, 2012:13).

امروزه، تساهل سیاسی نه به‌عنوان یک ضرورت اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک ارزش اجتماعی که باید یک جامعه کثرت‌گرا دارای آن باشد (Tsang, 2014: 286) مطرح گردیده است. آنچه تساهل سیاسی را بااهمیت ساخته، پیامدهایی است که وجود آن برای جامعه به بار می‌آورد: ترویج نقادی و روحیه نقدپذیری، جایگزین کردن دیالوگ به جای مونولوگ، عقلانی جلوه دادن فضای جامعه، ترویج مسئولیت اجتماعی و امکان گفتگو میان افراد و گروه‌ها، افزایش

1. Tolerance
2. Religious Tolerance
3. John Locke
4. Letter on Toleration
5. Political Tolerance

اعتماد و حسن ظن در کلیه روابط اجتماعی و در نهایت افزایش وحدت و همگرایی ملی. به همین منوال می‌توان پیامدهای منفی عدم وجود تساهل سیاسی را نیز برشمرد: تقویت روحیه انزواطلبی، ترویج تک‌روی و مهم‌ترین و شدیدترین جلوه آن که عبارت است از: خشونت سیاسی (Hutchison, 2014: 797)؛ به بیان دیگر، نبود تساهل سیاسی، یک جامعه را به سمت ناپایداری یا سرکوب و یا هر دو سوق می‌دهد (Tsang, 2014: 286).

در جامعه ایران نیز بروز تعارضاتی در عرصه احزاب و عقاید سیاسی و همچنین روی دادن رگه‌هایی از خشونت سیاسی، نشان می‌دهد که مسئله تساهل سیاسی برای دولت به مسئله‌ای مهم و چالش برانگیز تبدیل شده است (بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۱۹). از آنجا که در عرصه سیاسی ایران دو حزب فراگیر وجود دارند که به رقابت با یکدیگر می‌پردازند، عدم وجود تساهل سیاسی سبب خواهد گردید که میدان رقابت به عرصه‌ای برای طرد سیاسی تبدیل گردیده و جامعه را از وفاق بازدارد و سبب هدر رفتن بخش عمده‌ای از انرژی و توان اعضای جامعه شود. در چنین شرایطی به جای اینکه توان افراد برای حل مسائل و پیشرفت جامعه ساماندهی شود، در راستای مقابله با یکدیگر قرار می‌گیرد و احتمال ظهور و بروز خشونت سیاسی افزایش خواهد یافت. بر این اساس و با توجه به اینکه محیط دانشگاه و نگرش سیاسی دانشجویان همواره در تاریخ سیاسی ایران از عوامل اثرگذار بر عرصه سیاسی بوده است، هدف اصلی این تحقیق در وهله اول سنجش میزان تساهل سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و سپس بررسی عوامل مؤثر بر آن است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

دو دلیل را می‌توان برای ضرورت این تحقیق برشمرد: ۱. عدم وجود تساهل سیاسی سبب خواهد شد تا زمینه برای برخورد و خشونت سیاسی فراهم گردد؛ بنابراین به دست آوردن نمایی از وضعیت این متغیر شرایط را برای بررسی دقیق آن فراهم می‌سازد. ۲. کمبود منابع پژوهشی در باب تساهل سیاسی در ایران: بررسی در میان تحقیقات علمی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا انتهای ۲۰۱۵ در زبان لاتین نشان می‌دهد که حدود ۳۰ هزار مقاله و کتاب در این بازه وجود دارد که کلیدواژه «تساهل سیاسی» در آن‌ها موجود است. این در حالی است که تحقیقات موجود در همین بازه در داخل کشور کمتر از ۳۰ مورد است.^۱ در این میان، سهم کارهای تجربی سنجش تساهل سیاسی در ایران بسیار اندک (کمتر از ۱۰ پژوهش) است. در نتیجه، از آنجا که دانشجویان قشر ممتازی در جامعه محسوب می‌گردند و در شکل‌دهی به آگاهی سایر اقشار مردم نقش

۱. برای تحقیقات لاتین از سایت: Worldcat.org و برای تحقیقات داخلی از سایت: Noormags.com سودبرده شده است.

مهمی را بر عهده دارند، سنجش تساهل سیاسی آنان به شناخت و سیاست‌گذاری بهتر در این زمینه یاری می‌رساند.

مبانی نظری

تبارشناسی مفهوم تساهل

پیش از ورود به بحث تساهل سیاسی و تعاریف موجود از آن، نگاهی گذرا بر پایه‌های مفهومی مفهوم تساهل خواهیم داشت. تساهل همچون سایر مفاهیم موجود در علوم اجتماعی و سیاسی، دارای پایه‌های هستی‌شناختی^۱، معرفت‌شناختی^۲ و انسان‌شناختی^۳ است.

مبنای هستی‌شناختی

این مبنا، ارسطویی است. از نظر ارسطو سرتاسر جهان هستی را کثرت و اختلاف و تنوع فراگرفته است. انسان به‌عنوان موجودی که جوهر حقیقی‌اش عقل است، باید دست به‌گزینش بزند و در واقع سعادت او از طریق همین گزینش عقلانی و آزاد رقم می‌خورد و هر چه تفاوت و تکرر و اختلاف بیش‌تر باشد، فرصت گزینش عقلی، بیش‌تر و ارزش عمل بالاتر خواهد بود. برای حفظ این اختلاف‌ها و تنوع‌ها وجود تساهل اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا انسان تحت لوای تساهل، درصدد همگون کردن آرا و رویه‌های رفتاری است و از این طریق زمینه انتخاب و گزینش صحیح عقلی و عمل بر اساس آن را محدود می‌سازد. پس به نظر ارسطو تساهل، لازمه تکرر و به تبع آن لازمه سعادت است. بر اساس این مبنا طرفداران تکثرگرایی تأکید می‌کنند که تمرکز قدرت، به‌احتمال زیاد، به خودکامگی و استبداد می‌انجامد و برای پرهیز از استبداد باید قدرت در میان افراد و گروه‌های مختلف توزیع شود (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۱۳)؛ به بیان دیگر، وجود تساهل نشانی برای دموکراسی و عدم وجود آن نشانی برای توتالیترسیم است (بشیری، ۱۳۷۰: ۱۲۰).

مبنای معرفت‌شناختی

این مبنا، همان نسبییت در باب معرفت و شناخت است. طبق این مبنا هیچ معرفت و شناختی، یقینی و مطلق نیست؛ چراکه هیچ حقیقت مطلق و وجود ندارد (Haug, 2014: 96). حتی اگر واقعییتی وجود داشته باشد، آدمیان در برداشت از آن واقعیت (ارزشی یا غیر ارزشی) گوناگون هستند و معیار مطلق و وجود ندارد که درست یا نادرست و حق یا باطل بودن برداشت‌های

1. Ontological
2. Epistemological
3. Anthropological

مختلف را نشان دهد و هر برداشتی به اندازه برداشت دیگر درست یا نادرست است؛ بنابراین بهتر است انسان از قضاوت درباره برداشتهای مختلف خودداری ورزد و نه تنها در مقابل برداشتهای و نظریات مخالف بر دبار باشد، بلکه با تأکید بر جدی بودن خطاپذیری در انسان از هرگونه پافشاری و اصرار بر آرا و نظریات خود پرهیزد (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۳۴). کارل پوپر^۱ نیز بر این پایه تساهل تأکید دارد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۴).

مبنای انسان‌شناختی

بر اساس این مبنا، از یک سو منبع و مرجعی و رای انسان وجود ندارد که ملاک حقانیت باشد و از سوی دیگر همه انسان‌ها دارای ارزش و حقوقی برابرند. در نتیجه هیچ کس یا گروهی حق تحمیل ارزش‌ها و باورهای خود بر دیگران را ندارد (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۴۱). ارزش‌ها، باورها و سلاقی هر فرد محترم است، مگر آنکه ضرر و زینانی برای دیگران به همراه آورد که می‌توان از طریق قراردادهایی از آن جلوگیری کرد. لاک نیز در رساله در باب مدارا، عنوان می‌کند که اعمال عدم تساهل درباره شهروندانی که باور و آیینی، عمدتاً غیر از باور و آیین رسمی جامعه را پذیرفته‌اند، عقلانی نیست؛ زیرا نمی‌توان افراد را با زور به قبول باورها مجبور کرد. باور امری قابل تحمیل نیست و هرگونه اصرار در این زمینه به رواج نفاق منجر می‌شود. باورهای اصیل، ریشه در عمق جان افراد دارند و تغییر آن‌ها به معنای تغییر هویت آنان است (پایا، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

تعاریف تساهل و تساهل سیاسی

تساهل

واژه مدارا در زبان‌های اروپایی، از ریشه لاتین تولرو^۲ به معنای اجازه دادن و ابقا کردن است (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۱۱). در بیانیه اصول تساهل که طی نشست بیست و هشتمین اجلاس عمومی یونسکو در ۱۹۹۵، مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت، تساهل چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (Agius and Ambrosewicz, 2003: 12). در فرهنگ هریتیج^۳، تساهل چنین تعریف شده است: احترام به هویت و عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

مندوز و ادواردز^۴ عناصر تنوع و اختلاف، نارضایتی، آگاهی و قصد (Mendus and Edwards,)

1. Karl Popper
2. Tolero
3. The American Heritage Dictionary
4. Mendus and Edwards

12 (1987) را در مفهوم تساهل شناسایی می‌کنند. تساهل به‌عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به‌رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات. مدارا اساساً شکلی از خودداری (خودکنترلی) است (ادیبی سده و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۵۵). هابرماس نیز در تقسیم‌بندی انواع کنش به استراتژیک، عقلانی و ارتباطی، تساهل را برای برترین کنش در نظر او که کنش ارتباطی است، ضروری می‌داند (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۵۸). با توجه به تعاریف ارائه‌شده می‌توان دو اصل اساسی برای تساهل برشمرد: نخست؛ مدارا در عرصه تفاوت‌ها معنا می‌دهد، جایی که تفاوت اساسی حضور داشته باشد و دوم؛ فرد به تفاوت موجود آگاهی داشته و آن را نمی‌پذیرد اما به تفاوت موجود احترام گذاشته و طی یک اقدام ارادی، از سرکوب عقاید دیگران خودداری کرده و دیگران متفاوت را به رسمیت شناخته و محترم می‌شمارد (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۵۹؛ 264: Balint, 2014). در ترجمه واژه تولرانس در زبان فارسی، واژه‌های متفاوتی از جمله تسامح، تساهل، مدارا، بردباری، بی‌تفاوتی، تحمل و رواداری و... استفاده شده است؛ اما با در نظر آوردن دو اصل اشاره شده (اعتراض و عدم سرکوب)، بین این مفاهیم و تساهل تفاوت معنایی وجود دارد. در جدول شماره ۱ این تفاوت بررسی شده است.

جدول شماره ۱. تفاوت معنایی تساهل و دیگر مفاهیم

مفهوم	نگرش نسبت به موضوع	رفتار و عملکرد
تساهل	اعتراض	عدم رد و سرکوب
عدم تساهل	اعتراض	رد و سرکوب
بی تفاوتی	عدم اعتراض	عمل رد
عمل مصلحت‌جویانه مثبت	عدم اعتراض	عمل موافق
عمل مصلحت‌جویانه منفی	عدم اعتراض	رد و سرکوب
فداکاری	اعتقاد و تأیید	عمل غیر موافق
لطف	اعتقاد و تأیید	عمل موافق
آزادی	اعتقاد	عمل موافق
تحمل	عدم اعتراض	عدم رد و سرکوب

(بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۲۳)

همچنین، هابرماس تمایزی ظریف بین تساهل و رفتار مدنی^۱ قائل می‌گردد: رفتار مدنی بیشتر با جنبه حل و فصل مسائل و رفتار تساهل‌آمیز اغلب با اجتناب از نزاع‌های عملی هماهنگ است. رفتار

1. Civil Behavior

مدنی تا زمانی کفایت می‌کند که مجادله طرفین به موضوع‌هایی مربوط می‌شود که بتوان برای حل و فصل آن‌ها، با زبان مشترک تمامی شهروندان، یعنی اخلاق و قانون به تصمیم‌هایی مشروع یا حتی به اجماع دست یافت، ولی اگر باورهای بنیادین طرفین تصادم داشته باشند و برای فرهنگ سیاسی زبان مشترکی وجود نداشته باشد، انتظار اتفاق نظر و وحدت به شکل عقلانی وجود نداشته و نه تنها نیاز به رفتار مدنی، بلکه نیاز به تساهل ضروری می‌شود (هابرماس، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

تساهل سیاسی

بررسی و سنجش تساهل سیاسی در اوایل دهه ۱۹۵۰ در امریکا آغاز گردید. از آن زمان تاکنون تعاریف گوناگونی از تساهل سیاسی ارائه شده است. برخی از مهم‌ترین تعاریف تساهل سیاسی عبارت‌اند از:

جدول شماره ۲- تعریف مفهومی تساهل سیاسی

تأکید	تعریف	محقق
قائل شدن حق اعتراض برای گروه‌های سیاسی	شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و قائل شدن حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند	پیتر کینگ ^۱ (۱۹۷۶)
قائل شدن آزادی‌ها سیاسی موجود برای همه	تعمیم آزادی‌های سیاسی به کسانی که از لحاظ سیاسی متفاوت هستند	گیسون و بینگام ^۲ (۱۹۸۲)
قائل شدن آزادی مدنی برای همه	تساهل نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران	وگت ^۳ (۲۰۰۲)
قائل شدن آزادی مدنی برای همه	در نظر گرفتن اصول دموکراسی و پشتیبانی از آزادی‌های مدنی، حقوق اقلیت‌ها و غیره، و استفاده از آن‌ها در عمل برای گروه‌هایی که مورد علاقه فرد نیستند	پی‌ات و پاکستون ^۴ (۲۰۰۷)
تأکید بر آزادی بیان برای همه	نگرش در سطح فردی که اجازه می‌دهد تا گروه مختلف در بیان نظرات و یا حفظ شیوه‌هایی که مورد نظر آن‌هاست، آزاد باشند	هارل ^۵ (۲۰۱۰)
تأکید بر آزادی بیان برای همه	نگرش افراد یا گروه‌ها به اینکه آزادی بیان را برای تمامی گروه‌ها و افراد به رسمیت بشناسند	اسچوادل و گرانثو ^۶ (۲۰۱۴)

1. Peter King
2. Gibson & Bingham
3. Vogt
4. Pyatt and Paxton
5. Harell
6. Schwadel and Garneau

شاخص اصلی تساهل سیاسی در تعاریف گوناگون، عبارت است از: نوعی کثرت‌پذیری سیاسی و به معنی حق مشارکت تمامی گروه‌ها و احزاب و نحل‌های فکری در حرکت‌های سیاسی است؛ به بیان دیگر، پذیرش حضور عقاید مختلف در صحنه سیاسی (میری، ۱۳۷۷: ۲۶۶).

پیشینه نظری و تجربی

محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاسی، متغیرهای گوناگونی را معرفی کرده‌اند که توانایی اثرگذاری بر تساهل سیاسی و افزایش یا کاهش آن را دارا هستند. در این بخش، نظریات موردنظر در این پژوهش و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر تساهل سیاسی به‌طور اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی^۱

از جمله عواملی که مؤثر بر افزایش تساهل سیاسی، داشتن رابطه با و تعامل با گروه‌های گوناگون است. هرچه روابط اجتماعی فرد بیشتر باشد، منابع وی نیز برای کسب اطلاعات و پردازش آن‌ها و آگاهی یافتن، بیشتر خواهد بود و بالعکس. این روابط اجتماعی در نظریات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی معاصر، در مفهوم سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی که عبارت است از: «مجموعه‌ای هدفمند و ساخت یافته از کنش میان اعضای یک گروه یا جامعه که هنجارها و قاعده‌های مختص خود را داراست و تعقیب و دستیابی به اهداف مشترک را تسریع بخشیده و هزینه‌های عمل را کاهش می‌دهد» (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۵). این نوع از سرمایه، از طریق تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات را ممکن می‌سازد (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳؛ Putnam, 1993: 37; Uzzi & Dunlap, 2005: 54; Dwinningrum, 2103: 147; سرمایه اجتماعی جریان گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می‌کند و اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌ها و گزینه‌های مختلف در اختیار افراد قرار داده (Coleman, 1994: 302) و به دلیل همین افزایش گردش اطلاعات، توانایی اثرگذاری بر تساهل سیاسی را داراست.

بنابراین، فرض اساسی و مزیت اصلی سرمایه اجتماعی، فراهم آوردن امکان ارزیابی اطلاعات از طریق ایجاد پیوندهای شبکه‌ای^۲ است. شبکه‌های اجتماعی اطلاعات ارائه شده به شهروندان را به لحاظ کمی و کیفی افزایش داده و سبب می‌شود که نگرش افراد به برون گروه

1. Social Capital
2. Network Ties

تغییر یابد (Robinson, 2010: 496)؛ به بیان دیگر، قرار گرفتن در معرض تنوع در شبکه‌ای از روابط اجتماعی، به طور معمول برای پرورش توسعه مهارت‌های شناختی کلی‌تر لازم است و شرایط را برای استفاده از اصول دموکراتیک انتزاعی در رفتار، فراهم می‌سازد. تنوع در عقاید و افکار، انگیزه لازم جهت کاهش اتکای کامل بر روی اعتقادات را کرده و شرایط را جهت تجدیدنظر در موقعیت یا ارزش‌ها و پذیرش نظرات دیگران، مهیا می‌سازد (Harell, 2008: 2)؛ Harell, 2011: 726). فاین^۱ معتقد است «سرمایه اجتماعی یک سیستم محوری است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و تساهل را افزایش می‌دهد» (فاین، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

پوتنام^۲ (۲۰۰۰) معتقد است که حضور در انجمن‌های داوطلبانه با افزایش میزان تساهل در افراد همراه است؛ زیرا این انجمن‌ها افراد دارای نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را گرد هم می‌آورد و سبب می‌شود تا نگرش‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته و تعارض نظرات کاهش یابد. در مقابل، عدم تساهل نیز به دلیل عدم مشارکت است که سبب می‌شود تا حضور دیگری متفاوت به عنوان منشأ خطر تلقی گردد (عسگری و شارح‌پور، ۱۳۸۸: ۲). مشارکت داوطلبانه به فرد اجازه می‌دهد تا تعهدات خود را به ورای اجتماعات طبیعی (مثل خانواده) تعمیم دهد و بدین ترتیب با اعیان فرهنگی و اجتماعی در عرض جامعه به صورتی بیشتر عام‌گرایانه برخورد نماید (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). اما سرمایه اجتماعی به عنوان یک سازه اجتماعی دارای ابعاد و تقسیم‌بندی‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی. نظریه پردازان سرمایه اجتماعی معتقدند که تمایز میان این دو، تأثیر بسزایی در روند اثرگذاری آن دارد.

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا اتصالی^۳ که به سرمایه اجتماعی قدیم نیز معرفی گردیده است، به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است. پوتنام از واژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی برای انجمن‌هایی استفاده کرده که با تأکید بر انسجام درونی به حذف غریبه‌ها می‌پردازند (احمدی فیروزجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۶)؛ بنابراین منافعی که در این گروه به سبب سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود، تنها از سوی اعضای گروه و نه همگان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛ زیرا اعضای این نوع گروه‌ها معمولاً با تعداد اندکی از افراد همسان خود رابطه اجتماعی دارند (Woolcock, 2001: 13). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی همانند چسب در جامعه‌شناسی برای حفظ وفاداری در گروه‌ها به کار می‌آید (فیلد^۴، ۱۳۸۴:

1. Ben Fine
2. Robert Putnam
3. Bonding Social Capital
4. John Field

۵۰؛ 11: Aldridge & et al, 2002). در این نوع از سرمایه اجتماعی بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌شود. با این همه اکثر متفکران حوزه سرمایه اجتماعی این نوع را نامناسب و ضد توسعه‌ای می‌دانند. پوتنام معتقد است که این نوع از سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد وفاداری درون گروهی قوی، می‌تواند سبب بروز تعارض‌های شدید با بیگانگان شود و در راستای اهداف بدخواهانه و ضد اجتماعی عمل کند و در رفتارهایی چون فرقه‌گرایی، قوم‌گرایی و تخریب تجلی پیدا کرده (Putnam, 2000: 22) و به عدم تحمل و نبود تساهل نسبت به دیگران بینجامد و بیگانه یا غیرسستیزی را جان بخشد؛ علاوه بر این، سرمایه اجتماعی درون گروهی، جامعه را دچار چنددستگی می‌کند؛ زیرا برخی گروه‌ها برای تقویت انسجام درونی‌شان اقدام به حذف دیگران می‌کنند و به همین دلیل نیز خاصیت طرد کنندگی دارد و اثر منفی بر معاشرت‌پذیری اجتماعی می‌گذارد (نوغانی و اصغرپور، ۱۳۸۵: ۶۸۱؛ Rhodes, 2012: 166).

در مقابل سرمایه اجتماعی درون گروهی، سرمایه اجتماعی برون گروهی یا پیوندی^۱ مطرح می‌شود که پوتنام (۲۰۰۰) آنرا به عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون (تعامل افراد با خارج از محیط بسته) تعریف می‌کند. این نوع از سرمایه اجتماعی به صورت خاص به پیوند اجتماعات و افراد اشاره دارد و دارای دو کارکرد اصلی است: ۱- تسهیل انتشار اطلاعات ۲- تقویت اتصال با منابع خارجی (موحد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۴). در این نوع سرمایه اجتماعی تأکید بر روی پیوندهایی است که اعضای یک گروه با اعضای سایر گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و حمایت برقرار می‌کنند (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۳). پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی برون گروهی، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد که برای اتصال به ابزارها و امکانات خارجی و نشر اطلاعات مفید است و یک بینش جامعه‌شناختی فراهم می‌کند که می‌تواند هویت‌ها و تعاملات وسیع‌تری را به وجود آورد (Putnam, 2000: 22). هر چه میزان این نوع از سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر باشد، امکان انجام توافقات و حل اختلافات بیشتر می‌شود. به همین دلیل نیز در برابر سرمایه اجتماعی درون گروهی که به چسب اجتماعی شهرت یافته است، سرمایه اجتماعی برون گروهی را روغن اجتماعی نامیده‌اند (Aldridge & et al, 2002: 12)؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی برون گروهی سبب می‌شود تا از طریق در کنار یکدیگر قرار گرفتن افراد، تضارب آرا کاهش یافته و تساهل افراد نسبت به عقاید افزایش یابد.

تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور، اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر تساهل را مورد تأیید قرار داده‌اند: (Miller and Sear, 1986؛ Cigler and Joslyn, 2002؛ Weber, 2003؛

1. Bridging Social Capital

Robinson, Farrar and et al, 2010؛ Harell, 2010؛ Paxton, 2004؛ Couture and Penn 2003؛ 2010؛ Harell, 2011؛ Rhodes, 2012؛ Eisenstein and Clark, 2014؛ چلبی و امیر کافى، ۱۳۸۳؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲؛ شریفی، ۱۳۹۲؛ ادیبی سده و دیگران، ۱۳۹۲). تمایز تحقیق حاضر با پیشینه تجربی ذکر شده این است که علاوه بر بررسی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر تساهل سیاسی، تفکیک سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی نیز صورت پذیرفته و اثرگذاری آن‌ها نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آگاهی سیاسی^۱

از جمله عواملی که می‌تواند بر افزایش تساهل سیاسی مؤثر باشد، آگاهی افراد از روندها و فعالیت‌های موجود در عرصه سیاسی است که با مفهوم «آگاهی سیاسی» معرفی می‌گردد؛ آگاهی سیاسی عبارت است از: طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌ها از مسائلی خاص سیاسی یا شخصیت‌ها و حوادث سیاسی (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). هرچه آگاهی سیاسی فرد بالاتر باشد، بدین معنی است که از روندها و مسائل موجود در عرصه سیاسی اطلاعات بیشتری دارد و با نگرشی وسیع‌تر به این فعالیت‌ها نظر می‌اندازند. کارپینی و کیتز^۲ استدلال می‌کنند که احتمال مشارکت شهروندان مطلع در امور سیاسی بیشتر است و هرچه شهروند مطلع‌تر باشد، احتمالاً سایر شرایط شهروندی مطلوب نظیر تساهل سیاسی را از خود بروز می‌دهند (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱)؛ بنابراین، بالا بودن آگاهی سیاسی فرد بدو کمک می‌کند تا نگاهی تساهل‌جویانه به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد. در تحقیقات خارجی، وگاس^۳ (۲۰۱۰) تأثیر این متغیر را مورد تأکید قرار داده است اما در میان تحقیقات داخلی، تاکنون آگاهی سیاسی به‌عنوان عاملی مؤثر بر تساهل سیاسی، مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین آگاهی سیاسی برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفته و اثرگذاری آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تحصیلات

از جمله متغیرهایی است که تحقیقات عده‌ای بر اثرگذاری آن بر تساهل سیاسی تأکید کرده و وجود رابطه مثبت میان سطح تحصیلات و تساهل سیاسی را تأیید کرده‌اند: (Sullivan and et al, 1982؛ Bobo and Licari, 1989؛ Sullivan and Transue, 1999؛ Day and Bauman, 2000؛ Halpern, 2004؛ Vogt, 2002؛ Dineen, 2001؛ Peffley and et al, 2001؛ Lauderdale, 2001

1. Political Awareness
2. Carpinini and Keter
3. Viegas

Schwadel؛ Hutchison, 2014؛ Widmalm and Oskarsson, 2013؛ Chzhen, 2013؛ Hinckley, 2010
and Gameau, 2014؛ Freitag and Rapp, 2015؛ Fleming, 2014؛ Tsang, 2014؛ آزادارمکی و
دیگران، ۱۳۸۸؛ ترکارانی، ۱۳۸۸؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ شریفی، ۱۳۹۲؛ گلابی و رضایی، ۱۳۹۲).

اما در این میان، کمتر به بحث نظری درباره رابطه میان این دو متغیر پرداخته شده است. کوتاه‌ترین و در عین یکی از مؤثرترین تحلیل‌های نظری در این باره را تالکوت پارسونز^۱ ارائه کرده است. وی معتقد است که با طولانی شدن دوره تحصیل، مرحله دیگری در فرآیند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. در این مرحله افراد شخصیت افتراقی‌تری پیدا می‌کند و در نتیجه به ادراک مقولات پیچیده‌تر و در عین حال منطقی‌تر از دنیا توفیق می‌یابد. مراحل تحصیلات دانشگاهی و مواجهه با دنیای تخصص‌های حرفه‌ای و شناخت‌های تخصصی برای جوانان، جامعه‌پذیری عمیق‌تر و ماندگارتری به وجود می‌آورد (روشه، ۱۳۹۱: ۱۸۸). پیامد این مرحله از جامعه‌پذیری این است که فرد بر اساس شناخت‌هایی که کسب کرده است، نگرشی متفاوت به دنیای پیرامون خود خواهد داشت و با تساهل بیشتری عقاید و نظرات موجود در رابطه با مسائل گوناگون از جمله مسائل سیاسی را تحلیل و بررسی خواهد کرد.

متغیرهای زمینه‌ای

در تحقیقات مختلف، علاوه بر متغیرهایی که به عنوان متغیر مستقل و یا کنترل انتخاب شده و رابطه آن‌ها با تساهل سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است، دو متغیر جمعیت شناختی جنسیت و سن نیز وارد تحلیل شده و رابطه معناداری بین این دو و تساهل سیاسی گزارش شده است. دلیل انتخاب این دو متغیر اثرگذاری این دو در جریان جامعه‌پذیری فرد است. جنسیت و ویژگی‌هایی که بدان تعلق می‌گیرد، سبب می‌شود تا فرد ویژگی‌های خاصی را فراگیرد. همچنین، با افزایش سن، اطلاعات و دیدگاه‌های متفاوتی در اختیار فرد قرار می‌گیرد که بر نگرش وی تأثیر می‌گذارد. برخی از تحقیقاتی که وجود این رابطه را تأیید کرده‌اند عبارت‌اند از: Conejero,؛ Hutchison, 2014؛ Hinckley, 2010؛ Peffley and et al, 2001؛ Sotelo, 1999)؛ از
2014؛ Freitag and Rapp, 2015).

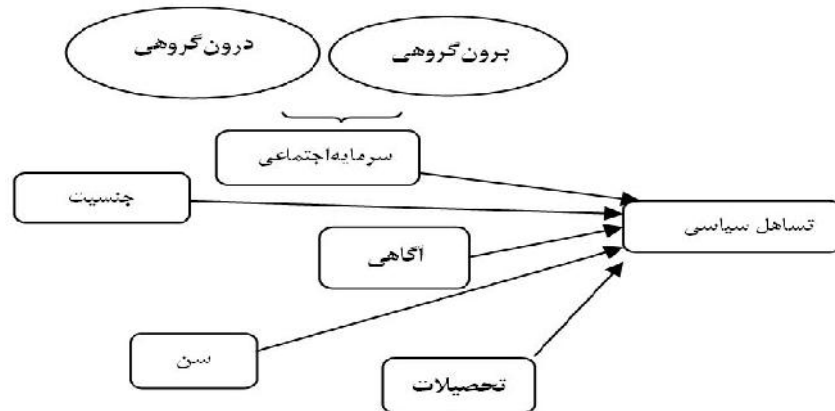
چارچوب نظری

بر اساس آنچه بیان گردید و برای بالا بردن قدرت تبیین، چارچوب نظری پژوهش حاضر یک چارچوبی تلفیقی است: سرمایه اجتماعی به دلیل درگیر نمودن فرد در شبکه‌ای از روابط و

1. Talcott Parsons

در اختیار قرار دادن حجم وسیعی از اطلاعات، فرد را یاری می‌رساند تا شناخت بهتری از مسائل سیاسی و گروه‌های و احزاب موجود پیدا نموده و از طریق مباحثه و آشنایی بیشتر با آنها، نگرش متفاوتی را نسبت بدان‌ها پیدا نماید؛ اما این ویژگی را بر اساس نظریه پوتنام، فقط نوع خاصی از سرمایه اجتماعی که وی آن را سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا پیوندی می‌نامد، داراست؛ درحالی‌که نوع دیگر سرمایه اجتماعی که درون‌گروهی نام دارد، به این دلیل که فقط بر روابطی که فرد با گروه موجود خود دارد تأکید می‌ورزد، نه تنها تأثیری بر افزایش تساهل سیاسی ندارد، بلکه با تقویت نگرش‌های خاص گرایانه، ضمن اثرگذاری منفی بر تساهل سیاسی، انزوای اجتماعی و احتمال وقوع چنددستگی سیاسی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین در این پژوهش، در کنار بررسی سرمایه اجتماعی، اثرگذاری سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی نیز مطرح‌نظر خواهند بود. آگاهی سیاسی دیگر متغیری است که سنجیده شده و اثرگذاری آن بر تساهل سیاسی بررسی خواهد شد. اگر آگاهی سیاسی فرد در سطح مناسب باشد، نشان از آن دارد که وی از روندها و حوادث و رویدادهای موجود در عرصه سیاسی کشور دارای اطلاعات مناسبی است و به همین دلیل نگرشی را داراست که اجازه ظهور و بروز عقاید مختلف سیاسی را بلامانع می‌داند. همچنین، با استناد به نظر پارسونز و با توجه به جامعه آماری که دانشگاه است، سطوح تحصیلی موجود در دانشگاه و اثرگذاری آن‌ها بر تساهل سیاسی را که به گفته پارسونز به دلیل روی دادن سطح جدیدی از جامعه‌پذیری است، موردنظر است. دو متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت و سن نیز با استناد به پژوهش‌های قبلی انتخاب گردیده‌اند.

مدل تحقیق



مدل شماره ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیات

- ۱- با افزایش سرمایه اجتماعی، تساهل سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛
- ۲- با افزایش آگاهی سیاسی، تساهل سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛
- ۳- بین زنان و مردان در تساهل سیاسی، تفاوت معنادار وجود دارد؛
- ۴- بین سطوح مختلف تحصیلات، تفاوت معنادار در تساهل سیاسی وجود دارد؛
- ۵- با افزایش سن، تساهل سیاسی افزایش می‌یابد.

فرضیه فرعی

سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تأثیر بیشتری در تساهل سیاسی در مقایسه با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی دارد.

جامعه آماری

«کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۳۴-۹۳» جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. جامعه آماری مشتمل بر حدود ۲۱ هزار دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری است که در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند.

حجم نمونه

حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۱ ۴۰۰ نفر تعیین گردید. به‌منظور پوشش دادن هرچه بهتر دانشکده‌های موجود در دانشگاه، تعداد ۶۰ پرسشنامه جمع‌آوری گردید که پس از بررسی و حذف پرسشنامه‌های با خطای بالا، ۵۴۸ پرسشنامه وارد تحلیل شد.

شیوه نمونه‌گیری

در این تحقیق جهت نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری طبقه‌ای (دانشکده) و تصادفی استفاده گردید. بدین ترتیب که با توجه به حجم جمعیت هر یک از دانشکده‌ها، سهم هر دانشکده از تعداد کل جامعه آماری تعیین شد و در نتیجه پرسشنامه‌ها به تناسب سهم بین دانشکده‌های نمونه توزیع گردید. دانشجویان با روش تصادفی در رشته انتخاب شدند.

معرفی ابزار

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. سرمایه

1. Cochran Formula

اجتماعی در طیف لیکرت و در ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی و انسجام اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است؛ از آنجا که هدف، ساخت سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بوده است، اعتماد در دو بُعد اعتماد شخصی و تعمیم یافته، شبکه در دو بُعد شبکه عمودی و افقی، انسجام در دو بُعد همبستگی با نزدیکان و افراد ناآشنا سنجیده شده است. مقطع تحصیلی در سه سطح موجود در دانشگاه (کارشناسی-ارشد-دکتری) سنجیده شد. سن به صورت سن مداوم مورد پرسش قرار گرفت. جنسیت نیز در دو وضع (مرد/زن) پرسیده شد. برای سنجش آگاهی سیاسی نیز، در دو بُعد آگاهی از شخصیت‌ها و آگاهی از وظایف نهادهای سیاسی کشور طراحی گردید. در هر سؤال پنج جواب طراحی شد که یک جواب صحیح و مابقی نادرست بودند. از جمع پاسخ‌های صحیح، میزان آگاهی سیاسی مورد سنجش قرار گرفت. برای سنجش تساهل سیاسی از رویکرد «دوستی حداقل» استفاده شده است. این رویکرد عبارت است از: ارائه فهرستی از گروه‌های سیاسی موجود (با قرار دادن گروه‌های افراطی و میانه‌رو) و درخواست اعلام نظر از پاسخگو در رابطه با هر یک از آنان (Petersen and Haasan and Cunningham, 2014: 292; et al, 2010: 583). این رویکرد توسط سالیوان و همکارانش در سال ۱۹۸۲ طراحی گردیده است (Gibson, 2013: 48). در این روش، علاوه بر سنجش تساهل سیاسی، میزان عدم مقبولیت گروه‌های سیاسی نیز سنجیده می‌شوند. گویه‌هایی که در این روش ارائه می‌شوند چنین‌اند: آزادی بیان، آزادی تجمع، برگزاری سخنرانی عمومی و... (Harell, 2010: 408; Gibson and Bingham, 1982: 603). پرسشنامه طراحی شده عبارت است از:

جدول شماره ۳. تعریف عملیاتی تساهل سیاسی

سطح پذیرش	گروه‌های سیاسی
می‌توانند آزادانه عقاید خود را تبلیغ کنند	مؤتلفه اسلامی
می‌توانند سخنرانی عمومی داشته باشند	کارگزاران
می‌توانند نشریه داشته باشند	اعتماد ملی
باید فعالیت آن‌ها محدود شود	جبهه پایداری
نباید اجازه هیچ‌گونه فعالیتی داشته باشند	جبهه مشارکت
	انصار حزب‌الله
	نهضت آزادی

1. Least-liked

روایی و پایایی

جهت بررسی قابلیت اعتماد^۱ پرسشنامه از آماره آلفای کرون باخ^۲ که میزان همبستگی درونی گویه‌های مربوط به یک شاخص را نشان می‌دهد، استفاده شده است. آلفای محاسبه‌شده برای شاخص‌های مورد بررسی در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۴. پایایی شاخص‌های پژوهش

شاخص	سرمایه اجتماعی	آگاهی سیاسی	تساهل سیاسی
آلفا	۰/۸۱۹	۰/۷۹۲	۰/۹۱۸

تفسیر: تمامی شاخص‌های بررسی شده از میزان آلفای مناسبی برخوردار هستند؛ بنابراین می‌توان از شاخص‌های مورد نظر جهت آزمون فرضیات سود جست. جهت بررسی اعتبار یا روایی^۳ پرسشنامه در این تحقیق از روایی سازه^۴ که به معنی توانایی سؤالات طراحی شده در انعکاس ویژگی‌های سازه مورد اندازه‌گیری است، استفاده و جهت روایی سازه، از تحلیل عاملی^۵ سود جست شد. به منظور بالا بردن دقت، گویه‌هایی که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ بودند، در جدول درج نگردیدند. نتایج تحلیل عاملی در مورد متغیرهای گوناگون در جداول زیر آورده شد:

جدول شماره ۵ - تحلیل عاملی تساهل سیاسی

گروه	کارگزاران	اعتماد ملی	جبهه مشارکت	نهضت آزادی	موتلفه	پایداری	انصار حزب الله
بار عاملی	۰/۷۶۱	۰/۷۵۳	۰/۸۴۱	۰/۸۷۸			
۱							
۲					۰/۸۲۹	۰/۸۵۲	۰/۸۲۸

تفسیر: احزاب و گروه‌های مطرح شده برای سنجش این متغیر، در دو عامل شناسایی شده‌اند: احزاب و گروه‌های اصولگرا و اصلاح طلب. به بیان دیگر، در تحلیل عاملی مشخص می‌گردد که نگرش پاسخگویان نسبت به گزینه‌های ارائه شده به گونه‌ای بوده است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته جدا از هم تقسیم‌بندی نمود.

1. Reliability
2. Cronbach alpha
3. Validity
4. Construct Validity
5. Factor Analyze

جدول شماره ۶. تحلیل عاملی متغیرهای مستقل

آگاهی سیاسی		سرمایه اجتماعی				تغییر تحلیل عاملی
نهادها	اشخاص	شبکه	انسجام	مشارکت	اعتماد	
۰/۸۰۲	۰/۷۸۴	۰/۵۹۷	۰/۶۶۹	۰/۷۲۰	۰/۶۳۱	بار عاملی

تفسیر: ابعاد طراحی شده جهت سنجش متغیرهای مستقل پژوهش، از روایی مناسبی برخوردار هستند و می‌توان از ترکیب آن‌ها متغیرهای مورد نظر را ترکیب کرد.

یافته‌ها

الف) آمار توصیفی

جدول شماره ۷. تقاطع جنسیت و مقطع تحصیلی

مقطع جنسیت	کارشناسی		ارشد		دکتری		جمع	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
مرد	۶۱	۱۱/۱	۱۸۸	۳۴/۳	۸۰	۱۴/۶	۳۲۹	۶۰/۲
زن	۵۲	۹/۴	۱۳۳	۲۴/۳	۳۴	۶/۱	۲۱۹	۳۹/۸
جمع	۱۱۳	۲۰/۶	۳۲۱	۵۸/۶	۱۱۴	۲۰/۸	۵۴۸	۱۰۰

توصیف: در متغیر جنسیت، اکثریت نسبی را مردان با حدود ۶۰ درصد دارند. در متغیر مقطع تحصیلی نیز دوره ارشد با حدود ۵۹ درصد اکثریت نسبی را داراست. دوره‌های دکتری و کارشناسی نیز هر کدام حدود ۲۱ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند.

توصیف شاخص متغیرهای مستقل و وابسته

جدول شماره ۸. توزیع پاسخگویان در متغیرها

متغیرها	گزینه‌ها	فرآوانی	درصد	متغیرها	گزینه‌ها	فرآوانی	درصد
تساهل سیاسی	پایین	۲۶۹	۴۹/۱	سرمایه اجتماعی	پایین	۱۲۴	۲۲/۶
	متوسط	۱۲۳	۲۲/۴		متوسط	۳۳۸	۶۱/۷
	بالا	۱۵۶	۲۸/۵		بالا	۸۶	۱۵/۷
	جمع	۵۴۸	۱۰۰		جمع	۵۴۸	۱۰۰
میانگین: ۴۴/۹				میانگین: ۵۶/۲			

۳۶/۱	۱۹۸	پایین	سرمایه اجتماعی پیوندی	۶/۲	۳۴	پایین	سرمایه اجتماعی اتصالی
۵۱/۹	۲۸۴	متوسط		۴۰/۵	۲۲۲	متوسط	
۱۲	۶۶	بالا		۵۳/۳	۲۹۲	بالا	
۱۰۰	۴۱۸	جمع		۱۰۰	۵۴۸	جمع	
میانگین: ۴۱/۲				میانگین: ۷۱/۲			
۶/۲	۳۴	زیر ۲۰ سال	سن	۵۴/۴	۲۹۸	پایین	آگاهی سیاسی
۷۸/۴	۴۳۰	بین ۲۰ تا ۳۰		۲۳/۷	۱۳۰	متوسط	
۱۵/۴	۸۴	بالا تر از ۳۰		۲۱/۹	۱۲۰	بالا	
۱۰۰	۵۴۸	جمع		۱۰۰	۵۴۸	جمع	
میانگین: ۲۶/۵				میانگین: ۳۶/۱			

توصیف: در متغیر تساهل سیاسی، بیشترین پاسخگویان تساهل در سطح پایین را انتخاب کرده‌اند؛ به طوری که درصد این گروه تقریباً به اندازه جمع پاسخگویانی است که تساهل سیاسی متوسط و بالا را انتخاب کرده‌اند. بازتاب این وضعیت در میانگین این متغیر پدیدار شده است: میانگین ۴۵ از ۱۰۰.

در متغیر سرمایه اجتماعی، اکثریت نسبی را گزینه متوسط به خود اختصاص داده است و گزینه‌های بعدی به ترتیب سرمایه اجتماعی پایین و سپس سرمایه اجتماعی در سطح بالا هستند. حضور بیش از ۶۰ درصدی پاسخگویان در گزینه متوسط، میانگین را نیز در حد میانه قرار داده است: میانگین ۵۶ از ۱۰۰ که میزان اندکی از حد میانه بالاتر است.

در سرمایه اجتماعی اتصالی یا درون گروهی، اکثریت نسبی پاسخگویان (بیش از ۵۳ درصد)، میزان بالا در این نوع سرمایه اجتماعی را گزارش کرده‌اند و در مقابل کمتر از ۱۰ درصد سطح پایین را گزارش کرده‌اند. به همین دلیل میانگین این نوع از سرمایه اجتماعی در سطح بسیار مطلوبی قرار گرفته است: میانگین ۷۱ از ۱۰۰.

در سرمایه اجتماعی پیوندی یا برون گروهی، اکثریت نسبی را سطح متوسط داراست اما به دلیل اینکه بیش از ۳۶ درصد نیز سطح پایین در این متغیر را انتخاب کرده‌اند، میانگین این متغیر کاهش یافته است: میانگین ۴۱ از ۱۰۰؛ بنابراین اگر میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی در حد متوسط قرار گرفته است، به دلیل پایین بودن نوع برون گروهی آن است.

بدترین وضعیت را در متغیر آگاهی سیاسی شاهد هستیم که در آن اکثریت نسبی سطح پایین آگاهی سیاسی را کسب کرده‌اند (بیش از ۵۴ درصد) و به همین دلیل نیز شاهد افت شدید

میانگین این متغیر هستیم: میانگین ۳۶ از ۱۰۰.

در متغیر سن نیز با توجه به میانگین محاسبه شده و توزیع پاسخگویان، اکثریت مطلق پاسخگویان در دوره جوانی قرار دارند.

جدول شماره ۹. میانگین تساهل سیاسی نسبت به احزاب و گروه‌ها

میانگین (دامنه ۰ تا ۱۰۰)	میزان						شاخص متغیر
	زیاد		متوسط		کم		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۴/۸	۳۶/۹	۲۰۲	۱۴/۲	۷۸	۴۸/۹	۲۶۷	مؤتلفه اسلامی
۶۷/۲	۳۳/۶	۱۸۴	۵۶/۷	۳۱۱	۹/۷	۵۳	کارگزاران
۶۴/۸	۳۴/۹	۱۹۱	۵۵/۹	۳۰۶	۱۰/۲	۵۶	اعتماد ملی
۳۶/۵	۲۴/۸	۱۳۶	۲۹/۶	۱۶۲	۴۵/۶	۲۵۰	جبهه پایداری
۶۳/۸	۳۱/۹	۱۷۵	۵۶/۶	۳۱۰	۱۱/۵	۶۳	جبهه مشارکت
۴۱/۳	۲۴/۳	۱۳۳	۲۲/۲	۱۲۲	۳۵/۵	۲۹۳	انصار حزب الله
۶۰/۵	۲۷	۱۴۸	۵۴/۹	۳۰۱	۱۸/۱	۹۹	نهضت آزادی
۴۰/۹	۳۴/۹	۱۹۱	۲۰/۴	۱۱۲	۴۴/۷	۲۴۵	تساهل با اصول گرایی
۶۴/۱	۴۴/۳	۲۴۳	۳۶/۶	۲۰۱	۱۹/۱	۱۰۵	تساهل با اصلاح طلبی

توصیف: بهترین وضعیت را در میان گروه‌ها و احزاب مورد بررسی، کارگزاران داراست که میانگین ۶۷ از ۱۰۰ را کسب کرده است. پس از آن به ترتیب اعتماد ملی، جبهه مشارکت، نهضت آزادی، مؤتلفه اسلامی، انصار و در نهایت پایین‌ترین میانگین که به جبهه پایداری تعلق دارد با میانگین حدود ۳۷ از ۱۰۰. همچنان که در بخش روایی نیز بیان گردید، در این جدول نیز می‌توان شکافی میان دو جریان به اصطلاح راست و چپ ایران را مشاهده نماییم. در یک سو گروه‌ها و احزاب منتسب به جریان اصول‌گرا وجود دارند که میانگین هر سه آن‌ها زیر ۵۰ است و در طرف دیگر احزاب منتسب به جریان اصلاح‌طلب که میانگین بالای ۶۰ را کسب کرده‌اند. نمود این شرایط در میانگین تساهل با اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی بازتاب یافته که شاهد تفاوتی چشم‌گیر میان میانگین این دو هستیم: تفاوتی حدود ۲۴ امتیاز. نکته قابل ذکر دیگر، تعداد افرادی است که در طیف مورد اشاره برای سنجش تساهل سیاسی در جدول شماره ۸، قرار گرفته‌اند: در تساهل با اصول‌گرایی، ۲۱۳ نفر مخالف هرگونه فعالیت این جریان بوده‌اند و در

مقابل ۱۰۰ نفر نیز موافقت کامل با این جریان سیاسی داشته‌اند. در تساهل با اصلاح‌طلبی نیز ۷۰ نفر محدودیت کامل جریان چپ را خواستار شده‌اند و در مقابل ۱۳۵ پاسخگو نیز موافقت کامل با این جریان سیاسی داشته‌اند. این اعداد و ارقام، نشان از وجود یک شکاف در میان پاسخگویان دارد.

ب) تحلیل آزمون فرضیات

با توجه به نوع شاخص‌های سنجیده شده، دو نوع آماره برای آزمون فرضیات مطرح شده انتخاب شدند؛ برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش فاصله‌ای بودند از آزمون همبستگی پیرسون^۱ (جدول شماره ۱۰) و برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش ترتیبی و اسمی بودند از آماره تفاوت میانگین‌ها^۲ (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۰. آزمون فرضیات مبتنی بر همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	شدت همبستگی	نتیجه آزمون
۱	تساهل سیاسی	سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۵۶۴*	تأیید
۲		آگاهی سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۴۶۱*	تأیید
۵		سن	۰/۰۲۱	۰/۰۶۶	تأیید
۶		سرمایه اجتماعی پیوندی	۰/۰۰۰	۰/۵۱۴*	تأیید
۶		سرمایه اجتماعی اتصالی	۰/۰۱۰	۰/۱۱۳	تأیید
* معناداری در سطح ۰/۰۱					

تفسیر: تمامی فرضیات تأیید می‌گردند. در میان متغیرهای بررسی شده، شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی دارای بیشترین شدت همبستگی با تساهل سیاسی است و پس از آن به ترتیب متغیرهای آگاهی سیاسی و سن قرار گرفته‌اند. معناداری فرضیه ۱ و ۲ در سطح ۰/۰۱ است؛ بدین معنی که با افزایش هر یک این دو متغیر به احتمال ۹۹ درصد شاهد افزایش تساهل سیاسی خواهیم بود. سطح معناداری متغیر سن، ۰/۰۵ است و شدت همبستگی آن نیز بسیار پایین. نکته

1. Pearson Correlation
2. T-test

قابل توجه، خروجی آزمون در مورد فرضیه فرعی مطرح شده که تفاوت اثرگذاری سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی پیوندی یا برون گروهی اثرگذاری بسیار متفاوتی از سرمایه اجتماعی اتصالی یا درون گروهی داشته است. این تمایز هم در شدت همبستگی این دو و هم در سطح معناداری آزمون آن‌ها قابل مشاهده است. شدت همبستگی بالا و معناداری در سطح ۰/۰۱ متعلق به سرمایه پیوندی و شدت همبستگی پایین و معناداری در سطح ۰/۰۵ از آن سرمایه اتصالی است.

جدول شماره ۱۱. آزمون فرضیات مبتنی بر تفاوت میانگین‌ها

شماره فرضیه	متغیر آزمون	نوع آزمون	معناداری	نتیجه
۳	جنسیت	Independent Sample T-test	۰/۰۰۴	تأیید
۴	مقطع تحصیلی	Anova	۰/۰۰۲	تائید

تفسیر: در متغیر جنسیت، با توجه به میانگین محاسبه شده (۴۱ برای دختران و ۴۸ برای پسران) و همچنین سطح خطای ۰/۰۱ انتخاب شده، به احتمال ۹۹ درصد تفاوت مشاهده شده در میان دختران و پسران معنادار است؛ بنابراین، متغیر جنسیت و جامعه پذیری که در مورد این دو صورت می‌پذیرد، مؤثر بر تساهل سیاسی است.

در متغیر مقطع تحصیلی، با توجه به میانگین محاسبه شده (کارشناسی: ۳۷/۴، ارشد: ۴۵/۲، دکتری: ۵۲/۱) تفاوت مشاهده شده معنادار است و به احتمال ۹۹ درصد سطح بالای تحصیلات، منجر به تساهل سیاسی بیشتر خواهد شد.

مدل معادلات ساختاری^۱

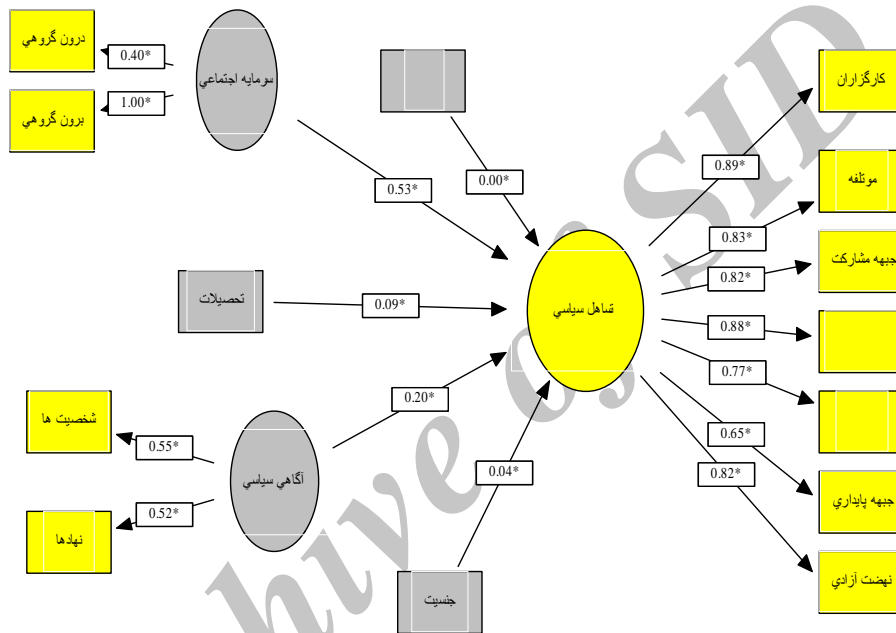
برای ارائه تبیینی بهتر و بررسی دقیق‌تر داده‌ها، از نرم‌افزار EQS برای بررسی رابطه میان متغیرهای سنجیده شده سود جستیم. مدل‌سازی معادلات ساختاری، ابزاری است در دست محقق جهت بررسی ارتباطات میان چندین متغیر در یک مدل. مدل معادلات ساختاری، مدل نظری فرض شده را آزمون کمی می‌کند و رابطه بین متغیرهای مشاهده شده را نشان می‌دهد. به‌طور اخص تر، مدل‌هایی که فرض می‌کنند چطور مجموعه‌ای از متغیرها یک سازه را تعریف می‌کند و چطور این سازه‌ها به هم مرتبط می‌شوند در معادلات ساختاری قابل آزمون است؛ به بیان دیگر، مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد چگونه متغیرهای در پیوند با یکدیگر قرار گرفته‌اند. در معادله ساختاری، رگرسیون، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر در کنار هم مورد بررسی

1. Structural Equation Model

قرار می‌گیرد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰۷) و به همین دلیل تصویری بهتر از نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را به نمایش می‌گذارد. استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مزایای زیادی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: الف) تخمین روابط چندگانه ب) قابلیت بررسی تأثیر هم‌خطی پ) آزمون روابط جعلی و غیرواقعی.

برازش مدل طراحی شده برای بررسی رابطه میان متغیرهای انتخاب گردیده، در مدل زیر به

تصویر کشیده شده است.



مدل شماره ۲. برازش مدل تحقیق

جدول شماره ۱۲. برازش مدل پژوهش

آماره	CFI	GFI	BONETT	NFI	IFI	MFI	AGFI	Q2	RMSFA
میزان	۰/۹۳۲	۰/۹۲۲	۰/۹۲۱	۰/۹۳۰	۰/۹۳۳	۰/۹۲۹	۰/۹۷۰	۴۵/۳۱	۰/۰۰۰

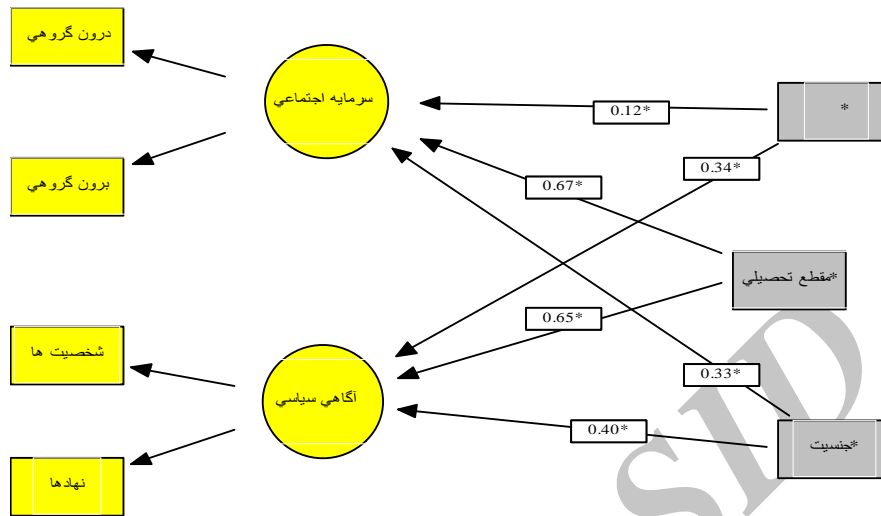
تفسیر: درباره آماره‌های آورده شده باید یادآور شد که هفت آماره (CFI - NFI - IFI - GFIMFI - BONETT - AGFI) زمانی برازندگی مدل را تأیید خواهند کرد که بین (۱-۰/۹) باشند. آماره (RMSFA) هنگامی برازندگی را تأیید می‌کند که نزدیک به صفر باشد و بیش از ۰/۱ نباشد. آماره‌ی Q^2 نیز بر اساس جدول مربوط به خود مقایسه گردیده و باید تفاوت

معنادار داشته باشد. بر این اساس، برآزش مدل پژوهش در تمامی آماره‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تفسیر نتایج مدل معادلات ساختاری

اثرگذاری احزاب و گروه‌های موردنظر که در متغیر تساهل سیاسی سنجیده شده‌اند نشان می‌دهد که ترتیب اثرگذاری در ساخت شاخص تساهل سیاسی عبارت است از: کارگزاران، اعتماد ملی، مؤتلفه اسلامی، جبهه مشارکت، نهضت آزادی، انصار حزب‌الله و جبهه پایداری؛ بنابراین معادله ساختاری نشان می‌دهد که در میان جریان اصول‌گرا، مؤتلفه اسلامی شرایط بهتری را داراست و همسنگ جریان اصلاح‌طلب در نظر گرفته شده است. در میان متغیرهای مورد بررسی نیز، پس از حذف همپوشانی میان متغیرها و تحلیل مسیر در مدل مورد نظر، سرمایه اجتماعی دارای بیشترین اثرگذاری است با ضریب $0/53$ همچنین در مدل مشخص گردیده است که ضریب اثرگذاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در ساخت شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی بیش از دو برابر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و به همین میزان نیز اثرگذاری آن بر تساهل سیاسی بیش از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است.

آگاهی سیاسی متغیر بعدی است که دارای بیشترین ضریب اثرگذاری بر تساهل سیاسی است: ضریب $0/20$ دو بُعد موردنظر در ساخت شاخص آگاهی سیاسی که عبارت بودند از آگاهی به «عملکرد نهادها و آگاهی به جریان‌ها و مسئولین»، دارای ضریب مشابه هم در ساخت شاخص آگاهی سیاسی هستند. متغیر تحصیلات که با توجه به میانگین‌های محاسبه‌شده تساهل سیاسی آن‌ها و برای ورود به معادله ساختاری به دو دسته تحصیلات تکمیلی و دوره کارشناسی تقسیم گردید، دارای اثرگذاری بعدی بر تساهل سیاسی است: ضریب $0/9$ متغیر جنسیت با ضریب اثرگذاری 4 در رتبه بعدی اثرگذاری بر تساهل سیاسی انتخاب شده است. متغیر سن نیز گرچه فرضیه آن تأیید گردید اما در معادله ساختاری، شدت همبستگی اندک آن نیز جعلی شناسایی شده و ضریب تعیینی برای آن مشخص نشده است. با توجه به مباحث نظری طرح‌شده که در آن عامل سن و جنسیت و مقطع تحصیلی را عواملی برمی‌شمارد که در جریان جامعه‌پذیری فرد تأثیر می‌گذارند، مدل اثرگذاری جنسیت، مقطع تحصیلی و سن بر آگاهی سیاسی و سرمایه اجتماعی نیز برآزش گردید:



مدل شماره ۳- برازش مدل اثرگذاری بر سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی

تفسیر: نتایج حاصل در مدل شماره ۳ مشخص می‌سازد که اثرگذاری متغیرهای جنسیت و تحصیلات و سن، بر روی سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی سبب شده است تا ضریب اثرگذاری آن‌ها در مدل تساهل سیاسی کاهش یابد. در این میان، همچنان که پارسونز تأکید می‌کند، تحصیلات تأثیر بسزایی داشته است و بالاترین ضریب‌ها بر آگاهی سیاسی و سرمایه اجتماعی داراست. همچنین، سن و جنسیت، اثرگذاری بیشتری بر آگاهی سیاسی داشته‌اند تا بر سرمایه اجتماعی؛ بنابراین، ضریب اثرگذاری سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی بر تساهل سیاسی بدین دلیل است که متغیرهای سن و جنسیت و مقطع تحصیلی بر آن‌ها اثرگذار هستند و قسمت اعظم ضریب اثرگذاری خود بر تساهل سیاسی را از طریق این دو متغیر، بر جای می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

بررسی عوامل مؤثر بر تساهل سیاسی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و به‌ویژه نوع برون‌گروهی آن تأثیر بسزایی در افزایش تساهل سیاسی دارد. حال آنکه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی که نوع مناسب سرمایه اجتماعی است در مقایسه با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، از میانگین مناسبی برخوردار نیست؛ در نتیجه می‌توان چنین عنوان کرد که سرمایه اجتماعی موجود در نمونه مورد بررسی، بیشتر ویژگی‌های یک جماعت یا گمن شافت را داراست که در آن گروه نزدیک فرد مورد تأکید قرار داشته و مشارکت فرد نیز در سطح مطلوبی نیست؛ اما

همچنان که پوتنام تأکید می‌کند، این سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است که بر سایر متغیرها از جمله تساهل سیاسی اثرگذار است؛ بنابراین یکی از دلایل نامناسب بودن تساهل سیاسی در نمونه مورد بررسی، نامناسب بودن سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است که سبب شده تا اطلاعات افراد نسبت به دنیای پیرامون کاهش یافته و به تبع آن تساهل سیاسی آن‌ها کاهش یابد. آگاهی سیاسی نیز دیگر متغیر مؤثر بر تساهل سیاسی شناسایی شده است؛ اما این متغیر نیز چون سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و همین وضعیت نیز سبب شده است تا تساهل سیاسی نیز پایین‌تر از حد میانه قرار گیرد. آگاهی سیاسی نامناسب نشان از آن دارد که اطلاعات و نگرش مناسبی نسبت بدان چه در دنیای پیرامون در جریان است، وجود ندارد.

متغیر تحصیلات نیز که تأکید فراوانی بر آن صورت گرفته است، در معادله ساختاری تأیید می‌گردد که نظر پارسونز مبنی بر اینکه با افزایش دوره تحصیلی، جامعه‌پذیری مجددی صورت می‌پذیرد که سبب می‌شود تا نگرش‌های فرد مورد بازمینی و تغییر قرار گیرد، صحیح است. همچنان که سطوح تحصیلی در تساهل سیاسی تفاوت معناداری را دارا هستند، این تفاوت در سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی نیز قابل مشاهده است؛ به بیان دیگر، اگر تساهل سیاسی افرادی که سال‌های تحصیلی بیشتری را طی کرده‌اند، بالاتر است به این دلیل است که از یک سو دارای سرمایه اجتماعی بالاتر و روابط اجتماعی بهتر هستند و از سوی دیگر از آگاهی سیاسی مطلوب‌تری برخوردارند. در مدل شماره ۳ نیز مشخص می‌گردد که اثرگذاری تحصیلات بر سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی مناسب بوده و به همین دلیل در برآزش مدل پژوهش (مدل شماره ۲)، اثرگذاری تحصیلات بر تساهل سیاسی کمتر از سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی است؛ زیرا قسمتی از این اثرگذاری از طریق اثرگذاری تحصیلات بر سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی روی می‌دهد.

در رابطه با متغیرهای سن و جنسیت نیز این مسئله صدق می‌کند: قسمتی از اثرگذاری این دو متغیر بر متغیرهای سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی بوده است و به همین دلیل در مدل برآزش شده پژوهش، جنسیت اثرگذاری اندکی داشته و سن نیز فاقد اثرگذاری شناسایی شده است. در نهایت وضعیت نامناسب تساهل سیاسی نشان از وجود شکاف سیاسی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با نوعی عدم تساهل در عرصه سیاسی روبه‌رو هستیم. این عدم تساهل می‌تواند به دو دلیل باشد: ۱. عقاید قالبی که پیچیدگی جهان اجتماعی را تقلیل داده و ساده‌سازی می‌کند و باعث سوگیری در انتخاب و تفسیر و نگهداری اطلاعات اجتماعی می‌شود. ۲. تعصب، که به همراه ابعاد اعتقادی و رفتاری و عاطفی خاص آن فهمیده می‌شود. قرار گرفتن پاسخ‌گویان در

دو سوی طیف نگرش سیاسی، حکایت از این امر دارد که دو قطب در نگرش سیاسی وجود دارند که روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند و نسبت به یکدیگر نیز نگرش مناسبی ندارند. این رویداد نشان از آغاز «تقسیم شدن» یا قطاعی شدن جامعه دارد و تقابل دو طیف اندیشه‌ای را حکایت می‌کند. پیامد قطاعی شدن جامعه آن‌هم در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر که مدارا داشتن در آن گریزناپذیر است، این است که جامعه را از وفاق و نظم پویای خود باز خواهد داشت و سبب هدر رفتن بخش عمده‌ای از انرژی و توان اعضای جامعه می‌شود. به‌جای اینکه توان افراد برای حل مسائل و پیشرفت جامعه ساماندهی شود، در راستای مقابله با یکدیگر قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی احتمال ظهور و بروز خشونت سیاسی افزایش خواهد یافت. همچنان که ذکر گردید، یکی از دلایل چنین شرایطی محدود بودن تعامل بین گروهی است. در جامعه‌ای سرمایه درون‌گروهی بر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی برتری دارد، تنها یک منبع برای کسب دانش و آگاهی وجود دارد و آن‌هم دایره نزدیکان فرد است که روابط عمودی موجود در آن بیشتر در جهت افزایش و تأکید بر همبستگی درونی است. این شرایط سبب خواهد شد تا فضای دوقطبی بر نگرش سیاسی اعضای جامعه حاکم شده و مجال گفتگو را از بین ببرد. این در شرایطی است که به گفته هابرماس، در چنین شرایطی تساهل‌ورزی از سوی افراد جهت زندگی مدنی کنش ارتباطی، امری گریزناپذیر است؛ بنابراین، قرار گرفتن در معرض عقاید دیگران و داشتن مراد با افراد گوناگون، سبب خواهد شد تا تساهل سیاسی فرد افزایش یابد و شرایط برای کنش سیاسی عقاید گوناگون سیاسی، مناسب گردد.

منابع

الف) فارسی

- احمدی فیروزجایی، علی؛ صدیقی، حسن؛ محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۵). «مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر؛ بهشتی، سید صمد. (۱۳۹۲). «مدارای اجتماعی و ابعاد آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره سیزدهم، شماره ۵۰.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شارع‌پور، محمود، عسکری، علی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۰). «پیش‌درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۲۶.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی در قرن بیستم (۲۱): اندیشه‌های لیبرال-دموکراتیک لیبرالیسم کارل پوپر، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۰۱-۱۰۲.
- پایا، علی. (۱۳۸۱). گفتگو در جهان واقعی، چاپ اول، تهران: طرح نو.
- پیران، پرویز؛ موسوی، میر طاهر؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۵). «کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲۳.
- ترکارانی، مجتبی. (۱۳۸۸). «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان»، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳.
- جهانگیری، جهانگیر؛ افراسیابی، حسین. (۱۳۹۰). «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۴۳.
- چلیبی، مسعود و کافی، امیر. (۱۳۸۵). «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- چلیبی، مسعود. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- روشه، گی. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
- سراج‌زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان

دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، دوره اول، شماره ۴.

- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). «مدل‌سازی معادله ساختاری، آشنایی با کاربردهای برنامه لیزرل در تحقیقات اجتماعی»، *علوم اجتماعی دانشگاه علامه*، شماره ۱۳-۱۴.

- شریفی، سمیرا. (۱۳۹۲). «سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء - دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

- عبدالهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵.

- عسگری، علی؛ شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبائی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۸.

- فاین، بن. (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی*، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- فتحعلی، محمود. (۱۳۷۸). *تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی، قم: مؤسسه فرهنگی طه.*

- فیلد، جان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین

اجتماعی.

- گلابی، فاطمه؛ رضایی، اکرم. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، شماره ۱.

- مسعودنیا، حسین؛ محمدی‌فر، نجات؛ محمدی، منصور. (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های الکترونیکی در میزان آگاهی سیاسی دانشجویان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی*، شماره ۴.

- مقتدایی، فاطمه. (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

- موحد، مجید؛ حلیمه، عنایت؛ پورنعمت، آرش. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی)*، دوره هشتم، شماره ۱.

- میری، سید احمد. (۱۳۷۷). *تساهل آری یا نه*، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.

- نوغانی، محسن؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا. (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و آموزش غیررسمی

برای توانمندسازی محرومین اجتماعی»، اولین همایش آموزش و یادگیری غیررسمی.
 - هابرماس، یورگن. (۱۳۷۷). «کنش ارتباطی؛ بدیل خشونت»، ترجمه ابراهیم سلطانی، مجله
 کیان، شماره ۴۵.

(ب) انگلیسی

- Agius, E. & Ambrosewic, J. (2003). "Toward a Culture of Tolerance & Peace", Saint-Mathieu Street Montréal (Quebec) Canada, [http: www. ibcr. org/ images/contenu/publications/2003-tolerance-peace-en. P.df : 28/03/2014](http://www.ibcr.org/images/contenu/publications/2003-tolerance-peace-en. P.df : 28/03/2014).
- Aldridge, S. & Halpern, D. Fitzpatrick, S. (2002). "Social Capital: A Discussion Paper", Performance and Innovation Unit Admiralty Arch the Mall, London. Viwe in: <https://www.iser.essex.ac.uk/research/publications/506546>.
- Arwine, A. & Mayer, L. (2012). "The Impact of Tolerance on Political Behavior, Presented at the Western Political Science Association": Annual Meeting: <http://wpsa.research.pdx.edu/meet/2012/arwineandmayer.pdf: 30/03/2014>.
- Balint, P. (2014). "Acts of Tolerance: A Political and Descriptive Account, European", *Journal of Political Theory*, Vo.13, No.3.
- Bobo, L. & Licari, F. (1989). "Education and Political Tolerance: Testing the Effects of Cognitive Sophistication and Target Group Affect", *Public Opinion Quarterly*, Vo.53, No.3.
- Chzhen, Y. (2013). "Education and Democratization: Tolerance of Diversity, Political Engagement, and Understanding of Democracy", Education for All Global Monitoring Report: <http://unesdoc.unesco.org/images/0022/002259/225926e.pdf: 4/04/2014>.
- Cigler, A. and Joslyn, M. (2002). "The Extensiveness of Group Membership and Social Capital: The Impact of Political Tolerance Attitudes", *Political Research Quarterly*, Vol. 55, No.1.
- Coleman, J. (1994). *Foundations of Social Theory*, Harvard University Press.
- Conejero, S.; Etxebarria, I. and Montero, I. (2014). "Gender Differences in Emotions, Forgiveness and Tolerance in Relation to Political Violenc", *Spanish Journal of Psychology*, Vol.17.
- Couture, S. and Penn, D. (2003). "Interpersonal Contact and the Stigma of Mental Illness: A Review of the Literature", *Journal of Mental Health*, Vo.12, No.3.
- Day, J. and Bauman, K. (2000). "Have We Reached the Top? Educational Attainment Projections of the U.S. Population", <http://www.census.gov>

/population/www/documentation/twps0043/twps0043.pdf: 4/04/2014.

- Dineen, J. (2001). "The Impact of Political Participation on Political Tolerance in America", Doctoral Dissertations: <http://digitalcommons.uconn.edu/dissertations/AAI3004841>: 4/04/2014.

- Dwiningrum, S. (2013). "Nation's Character Education Based on the Social Capital Theory", *Asian Social Science*, Vol. 9, No.12.

- Eisenstein, M. and Clark, A. (2014). "Political Tolerance, Psychological Security, and Religion: Disaggregating the Mediating Influence of Psychological Security", *Politics and Religion*, Vol.7, No.2.

- Farrar, C.; Fishkin, J.; Green, D.; List, C. and Luskin, R. and Paluck, E. (2010). "Disaggregating Deliberation's Effects: An Experiment within a Deliberative Poll", *British Journal of Political Science*, Vol. 40, No. 2.

- Feleming, D. and Mitchell, W. and McNally, M. (2014). "Can Markets Make Citizens? School Vouchers Political Tolerance and Civic Engagement", *Journal of School Choice*, Vo.8, No. 2.

- Freitag, M. and Rapp, C. (2015), "The Personal Foundations of Political Tolerance towards Immigrants", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vo.41, No. 3.

- Galeotti, A. (2001), "Do We Need Toleration as a Moral Virtue", *Respublica*, Vol.7, No. 3.

- Gibson, J and Bingham, R. (1982), "On the Conceptualization and Measurement of Political Tolerance", *The American Political Science Review*, Vol.76, No.3.

- Gibson, J. (2006). "Enigmas of Intolerance: Fifty Years after Stouffer's Communism, Conformity, and Civil Liberties", *Perspectives on Politics*, Vol.4, No. 1.

- Gibson, J. (2013). "Measuring Political Tolerance and General Support for Pro-Civil Liberties Policies. Notes, Evidence, and Cautions", *Public Opinion Quarterly*, Vol. 77.

- Haasan, I. and Cunningham, W. (2014). "The Uncertainty Paradox: Perceived Threat Moderates the Effect of Uncertainty on Political Tolerance", *Political Psychology*, Vol.35, No. 2.

- Halpern, L. (2004). "The Effects of Higher Education on Tolerance: An Investigation of Political and Cultural Attitudes of College Students", *Academic Forum*, Vol. 21.

- Harell, A. (2008). "Social Diversity and the Development of Political Tolerance", Department of Political Science McGill University: <http://www.cpsa-acsp.ca/papers-2008/harell.pdf>: 4/04/2014.
- Harell, A. (2010). "The Limits of Tolerance in Diverse Societies: Hate Speech and Political Tolerance Norms among Youth", *Canadian Journal of Political Science*, Vo.43, No. 2.
- Harell, A. (2011). "Political Tolerance, Racist Speech, and the Influence of Social Networks", *Social Science Quarterly*, Vol. 91.
- Hinckley, R. (2010). "Personality and Political Tolerance: The Limits of Democratic Learning in Post-communist Europe", *Comparative Political Studies*, Vo.43, No. 2.
- Haug, M (2014). "On the Prospects for Ontology: Deflationism, Pluralism, and Carnap's Principle of Tolerance", *European Journal of Philosophy*, Vol. 22, No. 4.
- Hutchison, M. (2014). "Tolerating Threat? The Independent Effects of Civil Conflict on Domestic Political Tolerance", *Journal of Conflict Resolution*, Vol.58, No. 5.
- King, P. (1976). *Toleration*, London: George Allen & Unwin.
- Lauderdale, D. (2001). "Education and Survival: Birth Cohort, Period, and Age Effects", *Demography*, Vol.38, No.4.
- Mendus, S. and Edwards, D. (1987). *On Toleration*, Clarendon Press.
- Miller, S. and Sears, D. (1986). "Stability and Change in Social Tolerance: A Test of the Persistence Hypothesis", *American Journal of Political Science*, Vol.30, No1.
- Paxton, P. (2004). "Who do you trust? A Multilevel Model of Generalized Trust in Thirty-one Countries", Paper Presented at the Annual Meeting of the American Sociological Association, San Francisco.
- Peffley, M.; Knigge, P. and Hurwitz, J. (2001), "A Multiple Values Model of Political Tolerance", *Political Research Quarterly*, Vol.54, No. 2.
- Peffley, M. and Rohrschneider, R. (2003), "Democratization and Political Tolerance in Seventeen Countries: A Multi-level Model of Democratic Learning", *Political Research Quarterly*, Vol. 56, No. 3.
- Petersen, M. & Slothuus, R. & Stubager, R. and Togeby, L. (2010), "Freedom for All? The Strength and Limits of Political Tolerance", *British Journal of Political Science*, Vol.41, No. 3.

- Putnam, R. (1993). "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life", *American Prospect*, Vol. 13.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon & Schuster.
- Pyatt, S. and Paxton, P. (2007). "In Principle and in Practice: Learning Political Tolerance in Eastern and Western Europe", *Political Behavior*, Vol. 29, No.1.
- Quintelier, E. (2008), "Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?", *European Union Politics*, Vol. 9, No. 3.
- Rhodes, J. (2012). "The Ties That Divide: Bonding Social Capital, Religious Friendship Networks, and Political Tolerance among Evangelicals", *Sociological Inquiry*, Vol. 82, No. 2.
- Robinson, C. (2010). "Cross-Cutting Messages and Political Tolerance: An Experiment Using Evangelical Protestants", *Political Behavior*, Vol.32, No.2.
- Schwadel, P. and Garneau, C. (2014). "An Age – Period– Cohort Analysis of Political Tolerance in the United States", *The Sociological Quarterly*, Vol. 55, No. 2.
- Sotelo, M. (1999). "Gender Differences in Political Tolerance among Adolescents", *Journal of Gender Studies*, Vol. 8, No. 2.
- Sullivan, J.; Piereson, J. and Marcus, G. (1979). "An Alternative Conceptualization of Political Tolerance: Illusory Increases 1950s-1970s", *American Political Science Review*, Vol. 73, No. 3.
- Sullivan, J. and Transue, J. (1999). "The psychological Underpinnings of Democracy: A Selective Review of Research on Political Tolerance, Interpersonal Trust, and Social Capital", *Annual Review of Psychology*, Vol.50, No.1.
- Tsang, S. (2014). "Examining the Impact of News Attention and Education on Political Tolerance in Hong Kong", *Chinese Journal of Communication*, Vol.6, No.3.
- Uzzi, B. and Dunlap, Sh. (2005). "How to Build Your Network", *Harvard Business Review*, Vol. 83, No.12.
- Verkuyten, M. and Van der Noll, J. and Poppe, E. (2010). "Political Tolerance and Prejudice: Differential Reactions toward Muslims in the Netherlands", *Basic and Applied Social Psychology*, Vol.32, No.1.
- Viegas, J. (2010). "Political Tolerance in Portugal and Spain: The Importance of Circumstantial Factors", *Portuguese Journal of Social Science*, Vol.9, No.2.
- Vogt, P. (2002). *Social Tolerance and Education*, *Review of Education*,

Pedagogy, and Cultural Studies, London: Sage.

- Weber, L. (2003). "Rugged Individuals and Social Butterflies: The Consequences of Social and Individual Political Participation for Political Tolerance", *The Social Science Journal*, Vol.40, No.2.

- Widmalm, S. and Oskarsson, S. (2013). "Political Tolerance in India Descriptions and Explanations from the Heartland", *Asian Survey*, Vol.53, No.3.

- Woolcock, M. (2001). "The Place of Social Capital in Understanding Social and Economic Outcomes", *Canadian Journal of Policy Research*, Vol.2, No.1.

Archive of SID